

«روز خداحافظی»؛ یک مدیتیشن سینمایی درباره مرگ و زندگی

فیلم کوتاه «روز خداحافظی» به نویسندگی و کارگردانی فرزاد رنجبر و تهیه‌کنندگی سیدمحمدهادی آقاجانی در باشگاه‌فیلم‌روپادایسته‌به سازمان اوج و باشگاه فیلم‌سوره تولید شده است و در گروه سینمایی هنر و تجربه به نمایش درآمده است.

داریوش رشادت -سازیکسر فیلم کوتاه «روز خداحافظی»- در گفت‌وویی درباره مواجهه با فیلمنامه و جهان فیلم گفت: وقتی برای اولین بار متن را خواندم، حس نزدیکی عجیبی نسبت به آن داشتم. برخلاف تصور اولیه‌ام که فکر می‌کردم فیلمنامه تخت و بی‌هیجان است، با نگاهی عمیق‌تر و به خصوص پس از گفت‌وگو با فرزاد رنجبر، کارگردان فیلم و دیدن فیلم‌های نوری بیلگه جیلان، متوجه شدم تعلیق اثر نه در کنش‌های بیرونی بلکه در بحران‌های درونی شخصیت‌ها نهفته است؛ بحرانی که در بطن سکوت و فرسایش تدریجی جان می‌گیرد.

او اشاره به فرآیند آمادگی جسمی برای این نقش توضیح داد: زمانی که پیشنهاد بازی در نقش «رضا» به من داده شد، ۷۰ کیلو وزن داشتم، اما برای نزدیک شدن به واقعیت جسمانی بیمارانی ALS تصمیم گرفتم وزنم را تا حدود ۵۰ کیلو کاهش دهم. رژیم غذایی سخت، تمرین‌های

جسمی کنترل شده و نظارت پزشک بخشی از این مسیر دشوار بود. در نهایت به ۵۱-۵۲ کیلو رسیده‌ام و زنی که حتی راه رفتن را هم برایم سخت کرده بود، اما فکر می‌کنم این میزان از تعهد، برای شکل‌گیری باورپذیر نقش ضروری بود.

رشادت، دو وجه مکمل نقش خود در این فیلم را فیزیکی و روانی دانست و تأکید کرد: در حالی که حدود ۷۰ درصد نقش به واسطه فیزیک بدنی تعریف شده بود، اما دنیای درونی شخصیت، یعنی تنهایی، اضطراب و حس فقدان هم بخش مهمی از روایت را شکل می‌داد. مسا با مردی مواجهیم که می‌داند زمان زیادی برای بودن کنار خانواده‌اش باقی نمانده و این آگاهی، او را شکنندتر از هر چیز دیگری می‌کند.

او شخصیت «رضا» را پدری تنها و نگران توصیف کرد و افزود: رضا مردی است که فرزندانش را از دست می‌دهد، همسری در کنارش نیست و با آینده‌ای مبهم مواجه است. این نقش برای من فقط بازی نبود؛ روایت مردی بود که رویاهایش با واقعیت مرگ در تقابل قرار گرفته بود. اگرچه زمان فیلم کوتاه اجازه پرداخت بیشتر به ابعاد روانی نقش را نمی‌داد، اما سعی کردم با تمام وجود در لحظه، زندگی

کارگردان سینما:

گونه جنایی، حلقه مفقوده سینمای ایران است

مردان در سینما بسیار هم‌سلیقه‌ایم و تجربه‌همکاری در فیلم «گورکن» را هم داشتم، همکاری مشترک‌مان برای من بسیار تجربه دلپذیری بود و به‌نظرم با دو نقطاط قوت هم را تکمیل کنیم. وقتی شما با همکاری‌تان سلیقه و جهان‌بینی و زیبایی‌شناسی نزدیکی داشته باشید، همکاری‌تان خط‌کشی و مرزبندی مشخص ندارد و همه تصمیمات حاصل سلیقه مشترک است.

ایلی اظهار کرد: طراحی روایت معمایی در مدت زمان کوتاه، مهم‌ترین چالش نگارش «مرت» برای من بود؛ اینکه فیلم، مانند یک اثر بلند روایت شود و نقاط عطف مشخص داشته باشد و در عین حال در زمان کوتاهی کاراکترها و انگیزه‌هایشان را بشناسیم. از بازخوردهایی که در جشنواره کوتاه تهران گرفتم فکر می‌کنم موفق شده‌ایم قصه را به درستی و بدون لکنت روایت کنیم و شخصیت‌ها هم در ذهن مخاطب می‌مانند.

چالش‌های حقوقی و قانونی، منبع تمام‌شدنی درام‌اند

این کارگردان در پاسخ به این سوال که پرداختن به موضوعات حقوقی در بستر درام چه چالش‌هایی برایتان ایجاد کرد، عنوان کرد: چالش‌های حقوقی و قانونی منبع تمام‌شدنی درام‌اند. این چالش‌ها دریچه بسیار خوبی هستند که از طریق آن بتوان وارد روابط آدم‌ها شد. نگاهی به زندگی آدم‌ها انداخت و شخصیت و انگیزه‌هاشان را شناخت. هر جاحقی زائل شود، هر جاکسی تصمیم بگیرد مقابل قانون بایستد، هر جاکسی به‌خاطر منافع شخصی از قانون سوءاستفاده کند. هر جاکسی به‌خاطر قدرت قانون را دور بزند، طبعاً ماجرا آغاز می‌شود و درام شکل می‌گیرد.

ایلی تصریح کرد: هر کسی می‌تواند از نگاه‌خودیرداشتی از فیلم داشته‌باشد ولی دغدغه «مرت» عدالت است. همه شخصیت‌ها قهرمان‌اند به این معنا که تمام کاراکترهای فیلم، حتی آنها که در ابتدای منظر می‌آیند به‌دنبال اجرای عدالت‌اند. انگیزه همه کاراکترها

■ گروه فرهنگ و هنر – داریوش رشادت، بازیگر فیلم «روز خداحافظی»، این اثر را فرصتی برای تأمل درباره زیستن و فقدان می‌داند و می‌گوید: با خواندن فیلمنامه بارها گریستم. این فیلم کوتاه، بحران درونی شخصیت‌ها را در بطن سکوت روایت می‌کند.

بود. در چشمانش اوج زندگی را می‌دیدم که هیچ تصویری از آنچه قرار است بیافتد نداشت. می‌دانستم این آخرین باری است که او را می‌بینم. در همان لحظه داشتم با او خداحافظی می‌کردم، می‌دانستم دیگر هیچ لحظه‌ای از نوجوانی یا بزرگ شدنش را نخواهم دید. این تلخی و سختی برای من بسیار سنگین بود. همین درک، چنان تلخی‌ای به لحظه می‌داد که اشک از چشمانم سرازیر شد. برای همزادپنداری با چنین لحظه‌هایی در زمان خواندن فیلمنامه بارها و بارها گریستم.

بازیگر فیلم «روز خداحافظی» با اشاره به اکران این فیلم در گروه سینمایی هنر و تجربه اظهار کرد: فیلم خوب، مثل عطر است؛ نیازی به تبلیغ و اغراق آمیز ندارد. اما بی‌شک دیده شدن فیلم‌های کوتاه نیازمند حمایت رسانه‌ها، اکران در گروه هنر و تجربه و تقویت سیستم پخش داخلی و بین‌المللی است. علاقه‌مندم این فیلم در خارج از کشور هم دیده شود و کاش امکانات بیشتری برای پخش جهانی آثار کوتاه داشتیم. امیدوارم «روز خداحافظی» شانس دیده شدن در جشنواره‌های خارج از کشور را هم پیدا کند، چون موضوع آن جهان

که در این موقعیت پیچیده کنار هم با حتی رویه‌روی هم ایستاده‌اند، اجرای عدالت درباره یک شخصیت منفی با بدمن است که حالا مرده. درواقع بدمن قصه در ابتدا مرده و حالا هر کس که رویه‌روی اوست نقش قهرمان را دارد.

این نویسنده در پاسخ به این سوال که چرا تصمیم گرفتید پایان فیلم باز بنامد و سرنوشت شخصیت‌ها روشن نشود، گفت: فکر می‌کنم سرنوشت شخصیت‌ها مشخص است، درواقع تصمیم نهایی کاراکتر پلیس یا باز پرس سرنوشت شخصیت‌ها را روشن می‌کند.

نویسنده «آبی روشن» توضیح داد: این مشکلی است که در دوره مدیریت پیشین انجمن سینمای جوان که در ظاهر شعار احیای ژانر می‌داد، هم همچنان پابرجا بود و آن سیاست‌ها در حد شعار باقی‌ماند اما مخاطبان فیلم بسیار قصه و اسطفر را دوست داشتند و به مابرای ساخت فیلم بلند بسیار دلگرمی دادند.

داستان مهم است نه ریخت و پاش در تولید

ایلی یادآور شد: طبعاً در فیلم کوتاه، مسئله بودجه و زمان بسیار حیاتی است و انتخاب‌های شمارا به عنوان کارگردان بسیار تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما در نهایت این فرم بصری بسیار به سلیقه ما نزدیک است. معتمد فیلم باید با داستانش مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد نه با ریخت و پاش در تولید.

این تهیه‌کننده و کارگردان در مورد اکران هنر و تجربه اظهار کرد: اکران هنر و تجربه برای آثار کوتاه و مواجهه‌سازندگان فیلم کوتاه با مخاطب عام، فرصت مغتنمی است که می‌تواند در ادامه مسیر آنها بسیار راهگشا و کمک‌کننده باشد. تماشای فیلم روی پرده سینما، نفس به نفس مردم، تجربه‌ای است که به سختی نصیب بچه‌های فیلم کوتاه می‌شود و می‌تواند نقاط قوت و ضعف کارشان را به خوبی به آنها نشان دهد.



شمول و انسانی است.

رشادت در پایان گفت: برای من، این فیلم شبیه به یک مدیتیشن کوتاه و پرمعناست؛ فرصتی برای تأمل درباره زیستن، فقدان و ارزش لحظه‌ها. این فیلم فرصتی برای آرامش، غم‌انگیز ولی پرمعنا، که مرگ را تا حدودی لمس می‌کند و شاید کمک کند تا ارزش زندگی و زیستن را بهتر درک کنیم. اگر بتواند مخاطب را به فکر وادار با احساسی از درک نسبت به مرگ و زندگی در او ایجاد کند، به‌نظرم رسالت خود را انجام داده است.



فیلم کوتاه هم باید برای مخاطب عام ساخته شود

ایلیی در پایان گفت: به هر حال فعالان فیلم کوتاه هم باید به این باور برسند که حتی فیلم کوتاه هم باید برای مخاطب عام ساخته شود و نه صرف جشنواره‌ها و مخاطب محفلی. امیدوارم فرصت اکران فیلم کوتاه روی پرده نصیب تعداد بیشتری از فیلمسازها و در بازه‌های زمانی طولانی‌تر شود.

«مرت» دومین اثر مشترک امیرایلی و داوودمردان پس از «گورکن» در مقام کارگردان است که در مرکز فیلم و سریال سازمان هنری رسانه‌ای اوج و انجمن سینمای جوان تولید شده و در گروه سینمایی هنر و تجربه روی پرده رفته است. این فیلم داستانی جنایی-معمایی دارد و فرید قبادی، ریحانه رضی، مامعیر بیطاری، بهادر باستان‌حق، محمد سوری و... در آن بازی کرده‌اند.

بچه های جزیره

ویژه کودک و نوجوان

اختلاف دو تصویر را پیدا کن

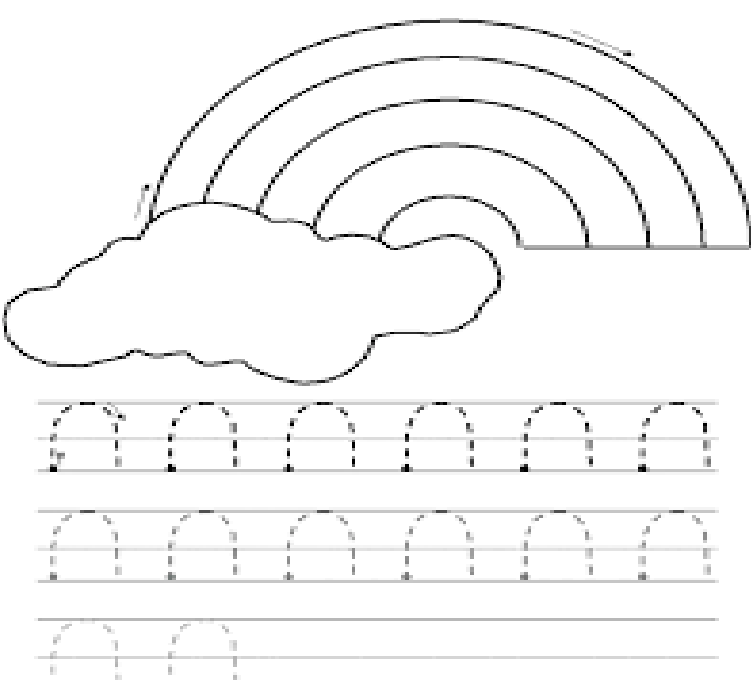


تصاویر کودکان دلبند خود را می توانید به این شماره ارسال فرمائید .



۰۹۰۳۲۲۸۲۵۴۶

خط چین ها را پر رنگ کن



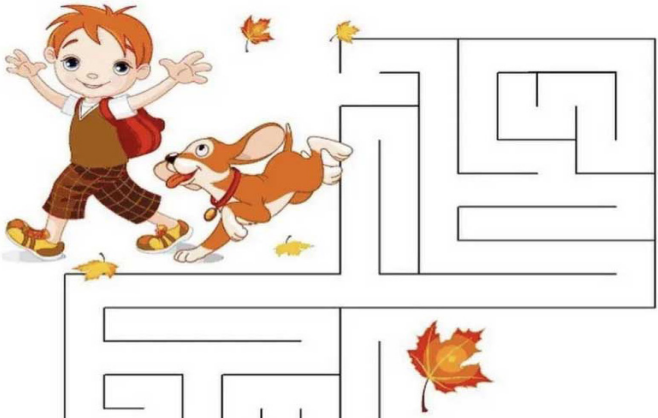
داستان : یه بوی خوشمزه

یه روز آفتابی ، جرالده، جوچه اردک کوچولو، داشت مثل هر روز با مامان، خواهر و برادرش توی دریاچه شنا میکرد!جرالد یه دفعه ایستاد. یه بوی خوشمزه میومد، جرالده تصمیم گرفت بره و پیداش کنه!پس جرالده مسیرش رو از خانوادش جدا کرد.بو دنبال بو رفت!اون از جلوی یه خونه ی قرمز در مزرعه‌ای پر از یونجه بو رد شد!از یه لونه ی سبز که یه سگ پشمالو توش خوابیده بود رد شد!از یه مزرعه ی پر از گاو داشتن توش علف میخوردن رد شد!از یه دریاچه پر از قورباغه‌های آوازه خون هم رد شد!از یه دریاچه ی زردی که تاب میخورد هم رد شد!و یهو جرالده با خودش فکر کرد:وای من گم شدم! و دیگه اون بوی خوشمزه رو هم نمیخونم!و بعد جرالده یادش افتاد که بابا بزرگش یه بار بهش گفته بود:اگر گم شدی، فکر کن که کجاها بودی! و جرالده بلند گفت:من کجاها بودم!اون دوباره از دریاچه ی زرد ، دریاچه پر از قورباغه، مزرعه ی پر از گاو، لونه ی سبز سگ پشمالو، خونه قرمز مزرعه رد شد!جرالد ،خانواده اش رو دید که داشتن توی دریاچه شنا میکردن! و اون بوی خوشمزه دوباره برگشته بود! جرالده با خودش گفت:وای! من برگشتم خونه!

پشت سر مامان اردکه یه کیک بود که از سبد پیک نیک پیدا کرده بود!

اون بوی خوشمزه مال این کیک بود! اون هادور هم جمع شدن و شروع کردن به کیک خوردن!

آقا پسر را به برگش برسان



جای خالی را پر کن

+	=	=	=
+	=	=	=
+	=	=	=
+	=	=	=
+	=	=	=

جهت درج آگهی ثبت شرکته‌ها در روزنامه محلی اقتصاد کیش

به نشانی: روبروی دادگستری قدیم کیوسک احمد نیک پور مراجعه فرمائید

۰۹۳۴۷۶۸۰۹۷۷